



گفت و گو با قدسیه علی اوسط، بانوی طلبه‌ای که می‌خواست شیمیدان شود!

پله پله تا خدا

ندا اظهري

وقتی صحبت از طلبگی می‌شود، ناخودآگاه تصویر مردی جوان با عمامه به سر و عبايي بر دوش در ذهن شکل می‌گیرد. اما غافل از این که طلبگی تنها محدود به مردان نمی‌شود و خانم‌ها هم از این امر مستثنای نیستند. در جامعه خانم‌هایی در نقش طلبه فعالیت می‌کنند که شاید در ظاهر تفاوتی با من و شما نداشته باشند، اما در اصل مبلغانی هستند که وظیفه اصلی آنها هدایت و نشان دادن مسیر درست زندگی به جوانان و دیگر افراد جامعه به ویژه بانوان است.



تاکنون هیچ خانم طلبه‌ای در خانواده نداشتند. در دوران مدرسه به ادبیات و نویسندگی علاقه داشته و نمایشنامه می‌نوشته و دست به قلم بوده، اما با وجود این که شیمی را خیلی دوست داشت، اما هرگز از راهی که آمده پشیمان نیست. او ادامه می‌دهد: «شاگردانی دارم که رشته تجربی یا ریاضی خوانده‌اند و بعضی کلاس‌های علوم قرآنی را هم شرکت می‌کنند و بر سر دوراهی هستند. توصیه می‌کنم چند جلسه‌ای را در کلاس‌های قرآنی شرکت کنند و اگر می‌توانند هر دورا همزمان با هم بخوانند و یکی از آنها را غیرحضور بخوانند. من معتقدم که باید دانش دین را داشت، اما خودم ضرورتی نمی‌دیدم که دو رشته را با هم بخوانم. به نظر من اگر در یک رشته تبحر داشته باشم بهتر است تا پراکنده کار کردن، اما همزمان زبان عربی را کج‌دار و مریز ادامه می‌دهم».

سبک زندگی یک خانم طلبه

علی اوسط درباره تفاوتی که زندگی یک خانم طلبه با دیگران باید داشته باشد به چار دیواری می‌گوید: «سبک زندگی یک طلبه خانم طبیعتاً باید نسبت به یک خانم معمولی متفاوت باشد، اما یک خانم هرگز نمی‌تواند الزامات یک آقا را داشته باشد. گاهی شرایط زندگی همسر یک خانم طلبه روی سبک زندگی او تأثیر مستقیم می‌گذارد. شووناتی را رعایت می‌کنیم اما مانند یک آقا نه، چیزی که بیشتر از هر چیز در جامعه نمود پیدا می‌کند، لباس یک روحانی است. یک پزشک و نظامی را به لباس او می‌شناسند یا طلبه آقا را به لباس در جامعه می‌شناسند اما ما خانم‌ها لباس خاصی نداریم و وقتی به طور محجبه در جامعه ظاهر می‌شویم، هیچ فرقی با خانم‌های محجبه دیگر ندارم و در نتیجه نگاه خاصی به من نمی‌شود و من در همان حد یک خانم محجبه در جامعه مراعات می‌کنم، مگر این که کسی ما را بشناسد و آنجاست که مجبور می‌شویم برخی شوون را بیشتر رعایت کنیم چون آن زمان احساس مسؤولیت بیشتری می‌کنیم». او خودش با پوشش معمولی که دارد راحت‌تر است و معتقد است داشتن پوشش خاص، مسؤولیتش را در جامعه بیشتر می‌کند و باید برخی معذوریت‌ها را رعایت کند.

همسر هم راه بود

در همان سال‌های اولی که در تهران کلاس‌های آزاد

قدسیه علی اوسط، بانوی طلبه‌ای است که قصه زندگی‌اش را امروز برای شماروایت می‌کنیم، او در مقطع چهار حوزه که معادل دکترای دانشگاه است، در رشته علوم قرآنی، تفسیر تطبیقی تحصیل می‌کند. متولد سال ۵۱ است و دو پسر ۱۴ و ۲۰ ساله دارد. از ۱۹ سالگی تبلیغ را آغاز کرده و از سال دوم حوزه به تشویق استادانش سعی کرد آنچه می‌آموزد را به دیگران یاد دهد و همین باعث شد تا از جلسات خانگی کار تبلیغ را شروع کند. آن زمان با وجود این که سواد دینی کمی داشت، مباحثی را که در حوزه می‌آموخت با جرأت و جسارتی که داشت در همین جلسات تدریس می‌کرد. خودش می‌گوید: «چندسالی را در حوزه تهران تحصیل کردم، آن زمان حوزه مصوبی که رسمی باشد در نزدیکی منزل ما وجود نداشت و در واقع، حوزه‌های آزادی بود که از سوی سازمان تبلیغات برگزار می‌شد. اما به این دلیل که هم سطح پایینی داشتند و هم مدرک معتبری ارائه نمی‌دادند، دیگر ادامه ندادم و تحصیل را در حوزه جامعه‌الزهرای قم شروع کردم. سطح ۲، ۳ را در حوزه قم و سطح ۴ را در حوزه تهران خواندم». این طلبه درباره آشنایی عامه مردم با طلبه‌های خانم می‌گوید: «خانم‌های طلبه را خیلی نمی‌شناسند، اوایل فقط در مسجد و مدرسه تبلیغ می‌کردیم، اما بزرگان توصیه کردند در جلسات خانگی هم ورود کنید که بساط خانم جلسه‌ای‌ها - به معنای عام که بدون اطلاعات وارد می‌شوند - برپیده شود. اوایل در جلسات خانگی برایشان عجیب بود که ما طلبه‌ایم، اما در مساجد تقریباً جا افتاده و پذیرفته شده بود، اما حالا چندسالی است که بدنه جامعه این موضوع را پذیرفته است».

شیمی را خیلی دوست داشتم

علی اوسط در ادامه گفت و گو می‌گوید: «دپلمم را در رشته تجربی گرفتم و از همان زمان به شیمی علاقه زیادی داشتم اما یک تلنگر مسیر زندگی‌ام را تغییر داد. به پیشنهاد یکی از دوستانم وارد کلاس‌های طرح آزاد حوزه شدم که در یک حسینیه برگزار می‌شد. یکی دو جلسه‌ای به صورت امتحانی در آن شرکت کردم و از همانجا بود که مسیرم را انتخاب کردم و وارد حوزه شدم و قید دانشگاه و رشته شیمی را زدم».

او خانواده‌ای مذهبی داشته و خودش هم در بسیج مدرسه فعالیت داشت. پدر بزرگ و عمو و دامادشان هم روحانی بودند، اما

رشته اصلی‌اش، این راهم داشته باشد.»

نقش آموزه‌ها انکار ناپذیر است

طبیعتاً قرار گرفتن در مسیر درست و قرآنی، زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این استاد دانشگاه در ادامه گفت و گو می‌گوید: «مسئله این مسیری که تا امروز طی کردم روی زندگی مشترک و تربیت فرزندانم تأثیر داشته است. آدمی نوع زندگی‌اش را بر مبنای تفکراتش شکل می‌دهد. همیشه در زندگی فراز و نشیب و سختی و اختلاف فکر و اختلاف فرهنگ بین زن و شوهر وجود دارد. گاهی که برخی جوان‌ها برای مشاوره به من مراجعه می‌کنند، از اختلاف‌هایی که بینشان پیش می‌آید تعجب می‌کنم. خیلی مسائلی که برای آنها دغدغه است، من اصلاً به آن فکر نمی‌کنم و خیلی ساده از کنارش می‌گذرم». او ادامه می‌دهد: «در تربیت فرزندانم هم سعی کرده‌ام وقتی با من درباره موضوعی صحبت می‌کنند، برایشان توضیح داده و راه درست را به آنها نشان دهم و انتخاب نهایی را بر عهده خودشان می‌گذارم. من حتی در حفظ سوره توحید هم به آنها اصرار نمی‌کردم و اجازه می‌دادم هر وقت که خودشان تمایل نشان دهند، شروع به حفظ کنند. واجبات را به آنها یاد می‌دادم، اما در مستحبات اصراری نمی‌کردم و آنها را به خودشان واگذار کرده بودم».

انس با قرآن

در ایام ماه رمضان کلاس‌های حوزه تعطیلی بردار نیست و با همان جدیت ادامه دارد. در این میان، نمی‌توان از کار تبلیغی خانم‌های طلبه و مبلغ غافل شد که وظیفه دشواری دارند. علی اوسط درباره این ماه مبارک و فضیلتی که برای خانم‌ها دارد، می‌گوید: «ماه رمضان با همه گرفتاری‌هایی که انسان‌ها دارند، فضیلت خودش را دارد و انس با قرآن در افراد بیشتر می‌شود که این اولین خیر و برکت این ماه است. گرسنگی بحث دیگری است که در این ماه مطرح می‌شود. من قبول ندارم که با گرسنگی در این ماه می‌توانیم حال فقرا را بفهمیم. مازمانی حال آنها را می‌فهمیم که پولی برای خرید نداشته باشیم تا غذایی بخوریم، در حالی که ما هم افطار و هم سحر غذا می‌خوریم، اما این را نمی‌توان انکار کرد که فکر آدمی بیشتر به سمت معنویات می‌رود؛ چه در بحث کمک به افراد نیازمند و چه در بحث انس با قرآن».

برکات ماه رمضان



هیچ کس با شکم سیر به جایی نمی‌رسد و حتی اگر از راه حلال هم باشد، نوعی سنگینی و کدورت به همراه دارد و دوری از خدا می‌آورد. گرسنه شباهت زیادی به ملائکه دارد و روزه نوعی روحانیت ایجاد می‌کند. معمولاً در این ماه، اعضای خانواده بیشتر در کنار هم هستند و مهم‌ترین آن برای خانم‌های عوام و خانه‌دار رجوع به قرآن است. حتی افرادی که ترجمه نمی‌دانند و سواد هم ندارند، همین صرف خواندن هم اثر دارد. همان گونه که یک موسیقی بد یا غذای حرام روی انسان اثر منفی می‌گذارد، قرآن خواندن هم به همان نسبت اثرات معنوی مثبت زیادی

به دنبال دارد. حتی حضور در مسجد و دیدار با مؤمنان و اقامه نماز جماعت هم برکات و نوری به دنبال دارد که در این ماه خوشبختانه مردم نسبت به آن حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.